

ایران و روسیه دو کشور با اهمیت در معادلات جهانی محسوب می‌شوند که هر یک به نحوی بر فضای جهانی انرژی نیز تاثیرگذار می‌باشند. روسیه به دلیل برخورداری از قدرت هسته‌ای و حق و تو در شورای امنیت سازمان ملل متحد، همچنان در زمره بزرگترین قدرت‌های جهان قرار دارد و ایران به دلیل موقعیت برجسته ژئوپلیتیکی که در منطقه ژئواستراتژیک خاورمیانه و جهان اسلام دارد، یک هژمون منطقه‌ای با تاثیرگذاری جهانی محسوب می‌شود. در حوزه انرژی نیز روسیه پس از عربستان سعودی، بزرگترین تولید کننده و صادر کننده نفت در جهان است. این کشور از نظر تولید و صدور گاز طبیعی نیز در جهان مقام اول را دارد. ضمن آنکه نفت و گاز کشوری‌های آسیای مرکزی نیز از طریق روسیه به اروپا صادر می‌شود. از سوی دیگر ایران نیز از نظر میزان ذخایر گاز طبیعی در جهان، پس از روسیه در رده دوم قرار دارد و طی چند دهه، کوشیده است با ورود به بازار جهانی صادرات گاز، از این منابع به شکل گسترده‌تری بهره برداری کند. به همین سبب عموماً روابط ایران و روسیه، علاوه بر ابعاد دوجانبه، از جنبه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز برخوردار بوده است. به خصوص حساسیت غرب نسبت به روابط ایران و روسیه در زمینه‌های انرژی هسته‌ای و معاملات تسلیحاتی، همواره زیر ذره بین بوده است. به نحوی که مسائل فوق همواره باعث شکل‌گیری طرز تلقی‌های خاصی نسبت به طرف دیگر شده است. از این رو در شرایطی که روابط دوجانبه‌ی ایران و روسیه می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در مناسبات جهانی داشته باشد، با این حال در رابطه با مسائل تهران و مسکو، دو رویکرد کلی و متعارض وجود دارد. رویکرد اول با دیدی خوش بینانه به مسائل مابین ایران و روسیه نظر می‌افکند و تهران و مسکو را متحدانی طبیعی با اهدافی یکسان می‌پندارد و رهیافت دوم با نگاهی بدبینانه، اغلب رای به رقابت‌آمیز بودن روابط دو کشور می‌دهد. در این بین می‌توان قائل به وجود رویکرد سوم در روابط تهران و مسکو نیز بود. بر این اساس رویکرد سوم با مبنای و معیار قرار دادن منافع ملی و اهداف ملی، به بررسی روابط مابین دو کشور می‌پردازد. تکیه اساسی رویکرد سوم بر این اصل استوار

رویکردهای موجود در روابط ایران و روسیه و تاثیر آن بر فضای جهانی انرژی

شعیب بهمن^{*}

است که رفتار بازیگران در چهارچوب اتحادها و تعارضات، پیوسته در حال دگرگونی است و آنچه موجب این دگرگونی می‌گردد، منافع ملی و چگونگی دستیابی به آن می‌باشد. بر اساس این رویکرد، ایران و روسیه

بیش از آنکه رقیب یکدیگر باشند و از رقابت با یکدیگر منفعت کسب کنند، از اتحاد با هم می‌توانند منافع بیشتری حاصل نمایند.

رهیافت اول: دیدگاه بدبینانه

تاریخ روابط دوستانه سال اخیر ایران و روسیه، باعث بوجود آمدن نوعی نگرش منفی در میان مردم دو کشور نسبت به دیگری شده است. به عنوان مثال هنوز در میان مردم ایران این نگرش منفی وجود دارد که دولت روسیه بر مبنای یک استراتژی بلندمدت (فارق از نوع حکومت‌های این کشور)، درصدد استیلای هر چه بیشتر بر سرزمین‌های جنوبی است. در واقع بسیاری از مردم، سیاست‌های روسیه نوین را ادامه سیاست‌های تزارها می‌دانند و معتقدند که طی دو قرن گذشته، سرزمین ایران همواره در معرض تهدید همسایه شمالی بوده و ترس از تجاوز، در کلیه برنامه ریزی‌های کشور دخالت داشته است.^(۱)

در روسیه نیز این ذهنیت منفی نسبت به ایران همواره وجود داشته است. در واقع سابقه تاریخی جنگ سرد و پیوستن ایران به اردوگاه غرب، همواره روس‌ها را در این تردید نگاه داشته که اگر روابط ایران با غرب بهبود یابد، باز هم تهران شریک مطمئنی برای مسکو به حساب می‌آید یا خیر؟ به همین سبب نیز روابط ایران و روسیه باید همواره با یک نگاه امنیتی توأم باشد. زیرا ایران در صورت برقراری مجدد رابطه با غرب (علی‌الخصوص آمریکا)، روس‌ها را به فراموشی خواهد سپرد. به عبارت دیگر ایران در حال حاضر و با توجه به روابط خاصی که با غرب دارد، مجبور به همکاری با روسیه است و به محض عادی شدن روابط اش با غرب، روسیه را از یاد خواهد برد.

عده‌ای دیگر نیز تحت تاثیر تبلیغات منفی، به انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی با دیده‌ی تردید می‌نگرند و ایران را تهدیدی بالقوه و منبعی الهام بخش برای مسلمانان ساکن روسیه تلقی می‌کنند. این افراد چنین ادعای می‌کنند که علیرغم آنکه روسیه یک قدرت هسته‌ای به شمار می‌آید و خود در طرح‌های هسته‌ای ایران مشارکت دارد، اما باید نگران دستیابی

احتمالی ایران به تسلیحات هسته ای نیز باشد؛ زیرا در صورت تحقق این سناریو، روسیه در تیررس موشک‌های ایران قرار خواهد گرفت و احتمال دارد که ایران با دستیابی به تسلیحات هسته ای، سیاست‌های به مراتب رادیکال‌تری را در پیش گیرد و به عنوان منبعی الهام بخش برای مسلمانان ساکن روسیه تلقی شود.

رهیافت دوم: دیدگاه خوش‌بینانه

رویکرد خوش‌بینانه بر جنبه‌های مثبت روابط ایران و روسیه نظر می‌افکند و دو کشور را متحد استراتژیک یکدیگر تلقی می‌نماید. مخالفت با ورود نیروهای نظامی کشورهای غیرساحلی به دریای خزر، ممانعت و جلوگیری از نقش هژمونی آمریکا در روابط جهانی، شکل دهی به جهان چند قطبی، کمرنگ شدن قدرت آمریکا و مقابله با تلاش‌های کاخ سفید جهت منزوی ساختن یا به حاشیه راندن هر دو کشور، احتیاج روسیه به منابع مالی جدید برای ادامه حیات خود و احتیاج ایران به اقلامی که به لحاظ تحریم‌های آمریکا کمتر می‌تواند آنها را از بازارهای دیگر تهیه نماید، از مهمترین اشتراکات ایران و روسیه به حساب می‌آیند.

مفاهیم کلیدی اندیشه برخی از طرفداران این رویکرد از اندیشه برخوردار تمدن‌های ساموئل هانتینگتون ناشی می‌شود. بر اساس این نظریه، پس از فروپاشی نظام دوقطبی، نبرد جدید میان تمدن‌ها شکل خواهد گرفت و خطوط گسل میان تمدن‌های موجود، جایگزین مرزهای سیاسی دوران جنگ سرد شده است. (۲) بر این اساس برخی از طرفداران این نظریه در صدد استفاده از تئوری برخورد تمدن‌ها و همچنین یاری گرفتن از تئوری توطئه برای تحلیل روابط ایران و روسیه می‌باشند. از نظر آنها ایران و روسیه باید به عنوان دو تمدن بزرگ با یکدیگر بر علیه لیبرال دموکراسی غربی متحد گردند. همچنین طرفداران این رویکرد، آمریکا و غرب را در توطئه سازی دائمی تحلیل می‌کنند و تنها راه رهایی از آن را اتحاد دو تمدن بزرگ اسلامی و اسلام را می‌دانند. آنها برای یافتن عوامل وحدت بخش میان جهان اسلام و روس‌ها به پیوندهای مشترک فرهنگی و مذهبی علی‌الخصوص حضور حدود بیست میلیون مسلمان در روسیه اشاره می‌کنند.

عده ای دیگر عامل نزدیکی دو کشور به یکدیگر را در ساختار نظام بین‌الملل و نوع پویای ایران و روسیه و سیاست‌های اتخاذی آنها می‌جویند. آنها معتقدند ایران و روسیه به میزان زیادی با هژمونی آمریکا در نظام بین‌الملل در تعارض قرار دارند و هر یک به طریقی خواهان تغییر وضع موجود می‌باشند. بنابراین نوع رابطه آنها با تک قطب نظام بین‌الملل می‌تواند متغیر تاثیر گذاری باشد که دو کشور را به یکدیگر نزدیکتر نماید. در واقع در شرایط تعارض با تک قطب نظام بین‌الملل، کشورهای معارضی نظیر ایران و روسیه چاره ای جز اتحاد و ائتلاف با یکدیگر ندارند. نمونه‌های عالی این نوع همکاری‌ها را می‌توان در موضع مثبت مسکو در خصوص برنامه‌های هسته ای ایران (۳)،

فروش تسلیحات روسی به تهران (۴) و همچنین مواضع ایران در قبال منازعه چین، مناقشه قره‌باغ و جنگ داخلی تاجیکستان (۵) جستجو نمود.

رهیافت سوم: دیدگاه منفعت طلبانه و فضای جهانی انرژی

رویکرد سوم دیدگاهی منفعت طلبانه را در بر دارد و منافع ملی را تنها معیار و واحد سنجش سیاست خارجی می‌شمارد. طبق این رویکرد آنچه سیاست خارجی و روابط ما بین دولت‌ها را در نظام بین‌المللی تعیین می‌کند، منافع ملی و امنیت ملی است. بر این اساس ایران و روسیه دارای منافع خاص، مشترک، همسان، مکمل و متضادی نسبت به یکدیگر می‌باشند که می‌توانند با تقویت منافع مشترک و مکمل، راه را برای مصالحه در مورد منافع متضاد نیز هموار نمایند.

در حال حاضر در روابط دو کشور ایران و روسیه ویژگی‌هایی وجود دارد:

- عدم وجود اختلافات اصولی و ارزشی،

- فقدان اختلافات ارضی و مرزی،

- عدم وجود تنش در روابط سیاسی دو کشور،

- وجود منافع مشترک و همسان در سطوح منطقه ای و جهانی،

- اتخاذ مواضع یکسان و همسو در قبال بسیاری از مسائل منطقه ای و جهانی،

- گسترش مناسبات فرهنگی و معاملات اقتصادی طی سال‌های اخیر،

- تلاش برای برقراری ساز و کار امنیت منطقه ای بدون حضور بازیگران فرامنطقه‌ای،

- نارضایتی از گسترش ناتو به شرق،

- عدم رضایت از نظم حاکم بر نظام بین‌الملل و تلاش برای برقراری نظامی عادلانه و چندقطبی.

ویژگی‌های فوق بیانگر گستره وسیع و تقریباً هماهنگ و همسوی مناسبات و روابط ایران و روسیه می‌باشند. به نحوی که ویژگی‌های فوق به همراه ظرفیت‌های موجود، می‌تواند روابط دو کشور را تا سطح استراتژیک ارتقاء دهد. در این راستا وجود منابع غنی انرژی در روسیه و ایران، می‌تواند دو کشور را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک نماید. بر این اساس اگر چه همچنان در ده سال آینده نفت مهمترین منبع انرژی خواهد بود، با این حال نباید از یاد برد که گاز طبیعی و انرژی هسته ای از جیگه برتری نسبت به زمان حاضر برخوردار خواهد شد. از این رو همکاری دو کشور در زمینه گاز و انرژی هسته ای می‌تواند تا حد زیادی معادلات آینده‌ی بازار انرژی را تحت تاثیر قرار دهد.

این مسئله به خصوص با توجه به تلاش‌های ایالات متحده آمریکا مبنی بر ممانعت از نزدیکی روسیه و ایران در حوزه انرژی به یکدیگر، قابل بحث و بررسی است. در این راستا آمریکا سعی کرده از یک سو نقش مخربی در خصوص همکاری‌های هسته‌ای ایران و روسیه ایفا نماید و از سوی دیگر محروم ساختن ایران و روسیه از درآمد کلان انرژی بپردازد. چنانکه

واشنگتن در سیاست‌های اتخاذی خود نشان داده است، هیچ علاقه ای به صدور نفت منطقه دریای خزر از مسیرهای روسیه و ایران ندارد و همواره با گذر لوله‌های انتقال انرژی از ایران و روسیه که از نظر اکثر کارشناسان اقتصادی، کوتاهترین و کم هزینه‌ترین مسیر برای عبور خطوط لوله‌های نفتی منطقه است، به مخالفت برخاسته است. زیرا در صورت تحقق این امر، ایران و روسیه کنترل بازار نفت اروپای غربی را در دست می‌گیرند.

علاوه بر این ایالات متحده ضمن سرمایه‌گذاری‌های عظیم خود در بخش صنعت نفت کشورهای حوزه دریای خزر، به حضور مستقیم نظامی در منطقه نیز مبادرت ورزیده که این امر برای تهران و مسکو به یک میزان مخاطره انگیز است. در واقع نفوذ و حضور گسترده آمریکا در مناطق مجاور ایران و روسیه، نقطه‌ی مشترک دیگری است که تهران و مسکو را به یکدیگر نزدیک می‌سازد. ضمن آنکه با توجه به مخالفت‌ها و کارشکنی‌های آمریکایی‌ها، تامین گاز اروپا و معاوضه‌ی نفت و گاز کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، امری است که تنها با همکاری ایران و روسیه امکان پذیر می‌باشد. در واقع با توجه به اینکه ایران و روسیه، هر دو با یک بازیگر فرماندهی ای مواجه هستند که سعی دارد آنها را از درآمد حاصل از لوله‌ها و خطوط انتقال انرژی محروم سازد، لذا به نظر می‌رسد ارتقاء و افزایش سطح همکاری‌ها میان تهران و مسکو می‌تواند اقدامات و تلاش‌های واشنگتن جهت تغییر مسیر خطوط انتقال انرژی را بی‌ثمر گرداند.

به طور کلی مهمترین محور همکاری‌های ایران و روسیه در مورد انرژی به دو مقوله‌ی انرژی فسیلی و انرژی هسته‌ای مرتبط می‌گردد. در خصوص انرژی فسیلی، تشکیل سازمان کشورهای صادرکننده‌ی گاز، گام مهمی بود که پایه‌های آن با مساعدت و توافق سران ایران و روسیه شکل گرفت. همچنین در مورد انرژی هسته‌ای نیز تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر، یکی از اقداماتی است که می‌تواند اعتماد متقابل در روابط طرفین را افزایش دهد. در واقع بحث اتمام نیروگاه اتمی بوشهر، به نماد همکاری‌های ایران و روسیه مبدل شده است و چنانچه در زمان مقرر راه اندازی شود، می‌تواند دو کشور را به سوی طرح‌های راهبردی دیگر در زمینه‌های صنعتی و انرژی رهنمون سازد.

در حال حاضر در زمینه انرژی، هر دو کشور ایران و روسیه به تثبیت بازارهای جهانی نیازمند می‌باشند. به خصوص پس از وقوع بحران مالی که تا اندازه زیادی تثبیت بازار نفت را دستخوش تزلزل نمود، همکاری‌های روسیه و ایران در زمینه انرژی از اهمیت بسیاری برخوردار شده است. به عنوان نمونه کاهش فعلی بهای نفت، مشکل مشترکی است که ایران و روسیه، هر دو به یک میزان از آن آسیب خواهند دید. در این راستا هر دو کشور روسیه و ایران امکانات مساعدی برای معاملات نفتی دارند و در شرایطی که کشورهای تولیدکننده‌ی نفت در حال متنوع‌سازی ساختار تجاری خود هستند، همکاری دوجانبه در مواردی مانند بورس نفتی سنت پترزبورگ حائز اهمیت تلقی می‌گردد. از این

رو پیشنهاد روسیه درباره حضور ایران در بورس نفت «سن پترزبورگ» می‌تواند یک راهکار عملی مناسب باشد. همچنین استفاده از روبل در بورس نفتی تازه تأسیس ایران (۶) نیز می‌تواند گام مهم دیگری در راستای همکاری‌های دوجانبه باشد. علاوه بر این، مقام‌های روس برای همکاری کشورشان با ایران در زمینه انرژی از جمله حضور شرکت‌های روسیه در بخش نفت و گاز ایران اهمیت فراوان قائل هستند و امضای تفاهم نامه میان دو کشور در زمینه بهره برداری از حوزه گاز پارس جنوبی و مشارکت در میدان‌های نفت و گاز، می‌تواند راهشگای بسیاری از همکاری‌های دوجانبه به حساب آید. (۷)

نتیجه گیری:

ایران و روسیه تنها در شرایطی می‌توانند از سلاح انرژی به عنوان اهرمی موثر در نظام بین‌الملل بهره گیرند که در کنار یکدیگر باشند. هر نوع جدایی و فاصله در مواضع دو کشور، اگر چه در کوتاه مدت به تامین منافع آنها می‌انجامد، با این حال در دراز مدت می‌تواند به سود کشورهای مصرف کننده‌ی انرژی تمام شود. به عنوان نمونه علیرغم آنکه حفظ حاکمیت انحصاری روسیه بر گاز اروپا و یا مسئله انتقال گاز ایران به اروپا می‌تواند در کوتاه مدت موجب تحصیل منافع کلانی شود، با این حال در درازمدت باعث بوجود آمدن تهدیداتی برای طرفین خواهد شد. چنانکه تهدید فروش گاز به اروپا با قیمت ارزان‌تر می‌تواند منافع اقتصادی و به تبع آن منافع سیاسی طرف دیگر را به خطر اندازد. این امر در نهایت فروشنده را وارد منازعه می‌کند و به نفع مصرف کننده تمام می‌شود.

بنابراین در فضای جهانی انرژی، ایران و روسیه بیش از آنکه رقیب یکدیگر محسوب شوند، متحد هم به شمار می‌آیند. در نتیجه با توجه به وجود پتانسیل‌ها، ظرفیت‌های و همچنین علاقه مندی‌های دوجانبه برای مشارکت و همکاری در طرح‌های مختلف و همچنین با تاکید بر فرصت‌ها و تهدیدهای مشترکی که برای دو کشور بصورت توأمان وجود دارد، انتظار می‌رود که تهران و مسکو، گام‌های بیشتر و بلندتری برای تقویت روابط دوجانبه بردارند.

در این راستا به نظر می‌رسد حرکت به سوی عملگرایی، تغییر نگاه از یک شریک تاکتیکی به یک شریک استراتژیک، تاکید بر نقش سازمان‌های همکاری منطقه‌ای و گسترش مناسبات اقتصادی و فرهنگی بتواند روند فوق را تسریع بخشد.

مدرس دانشکاه و پژوهشگر موسسه مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز (ایران)

پی نوشت ها:

۱. اسناد تاریخی نشان می‌دهد که روس‌ها در طول تاریخ معاصر ایران، صدمات بیشتری را به ایرانیان و ایران زمین وارد ساخته‌اند. تحمیل جنگ‌های طولانی و شکست‌های پی در پی،

عهد نامه‌های تحمیلی و ننگین گلستان و ترکمنچای، جدایی سرزمین‌های شمالی ایران، اشغال ایران در طول جنگ جهانی دوم، قاتله آذربایجان و کردستان و... نمونه‌هایی از این ذهنیت تاریخی محسوب می‌شوند.

۲. هانتینگتون تمدن‌های عمده جهان را به هفت تمدن بزرگ غربی، کنفوسیوسی، اسلامی، هندی، اسلاو ارتدوکس، امریکای لاتین و حاشیه آفریقا تقسیم کرده است و نبرد جدید را به عهده نمایندگان این تمدن‌ها - که جزو قدرت‌های منطقه ای خواهند بود - گذاشته است. وی معتقد است که از هر تمدن یک یا دو کشور درگیر نبرد خواهند شد و آخرین حلقه تکامل درگیری‌های عصر خود را رقم خواهند زد. به عقیده هانتینگتون از یک سو خود آگاهی تمدنی در حال افزایش است و از سوی دیگر اختلاف میان تمدن‌ها اساسی می‌باشد. چرا که تجدید حیات مذهبی در حال رشد است و در این بین رفتار غرب باعث رشد خود آگاهی تمدنی شده است. از نظر هانتینگتون، منطقه گرایی اقتصادی و مشترکات فرهنگی در حال گسترش است و خصوصت ۱۴.. ساله اسلام و غرب در حال افزایش می‌باشد.

۳. روسیه نیز در موضوع فعالیت‌های هسته ای ایران برخلاف کشورهای غربی عضو گروه ۵+۱ شامل آمریکا، فرانسه، آلمان و انگلیس، موضع سازنده و مثبتی اتخاذ کرده است. اگر چه نقش روسیه گاهی اوقات به سبب فشار زیاد آمریکا و غرب تا اندازه ای کم رنگ شده، با این حال موضع مسکو در این زمینه عامل بازدارنده تنش آفرینی غربی‌ها بوده است.

۴. ایالات متحده آمریکا همواره نگرانی خود را از فروش تسلیحات روسی به ایران ابراز داشته است.

۵. مواضع ایران در قبال جنگ داخلی تاجیکستان که عموماً همگام با مواضع روس‌ها بود، موجب تقویت موقعیت روسیه در مناطق پیرامونی خود شد و از این منظر روابط خوب مسکو و تهران را پایدارتر نمود.

۶. نخستین فاز بورس نفتی ایران، روز ۲۸ بهمن ۱۳۸۷ آغاز به کار کرد. در بورس نفت ایران که مقر آن در کیش است، در حال حاضر تنها فرآورده‌های پتروشیمی خرید و فروش می‌شوند و معاملاتی نفت قرار است محور فعالیت فاز دوم این بورس باشد. هنوز معلوم نیست که این فاز چه زمانی راه‌اندازی خواهد شد. یکی از اهداف اصلی جمهوری اسلامی ایران از راه انداختن بورس نفت، حذف دلار از معاملات نفتی خود و جایگزینی یورو و برخی ارزهای دیگر به جای آن بوده است.

۷. مطابق با تفاهنامه همکاری انرژی که وزرای نفت جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه امضا کردند، همکاری دو کشور در زمینه‌های انرژی به ویژه نفت و گاز گسترش خواهد یافت. در این تفاهنامه بحث سوآپ نفت خام از طریق خط لوله نکاجا مطرح است که یک خط استراتژیک نفت حوزه دریای خزر را به دریای عمان منتقل می‌کند. در این رابطه امکان سوآپ نفت خام کشور روسیه از طریق خط لوله بندر نکا به بندر جاسک، برای تحویل نفت از دریای خزر به دریای عمان وجود دارد. ایجاد شرکت مشترک نفتی بین ایران و روسیه یکی دیگر از ابعاد این تفاهنامه بود که می‌تواند فعالیت‌های مشترک نفت و گاز در دو کشور و حتی کشورهای ثالث را سامان دهد. همچنین اکتشاف و توسعه میادین نفت و گاز از دیگر محورهای تفاهم نامه همکاری است. (وزیر نفت تشریح کرد: جزئیات تفاهم نامه همکاری انرژی ایران و روسیه، خبرگزاری شانا، ۲۶ اسفند ۱۳۸۷)